

جهانی شدن، فرصت یا تهدید برای محیط زیست

محمدرضا توکل نیا¹، محمدعلی اکبریان²

چکیده:

جهانی شدن روندی رو به رشد و غیر قابل توقف است که با رویکرد یکپارچه سازی اقتصاد جهانی و تجارت آزاد آغاز شد؛ اما حوزه های مختلف به جز اقتصاد را نیز تحت تأثیر قرار داده و یکی از مهم ترین بخش های متأثر از آن محیط زیست است. برخی این باورند که فعالیت های اقتصادی ممکن است محیط زیست را با خطر جدی مواجه کند. در مقابل گروهی عقیده دارند رشد اقتصادی برای رسیدن به محیط زیست سالم تر با آلودگی کم تر لازم است. هدف از این مقاله بررسی برخی فرصت ها و تهدید های جهانی شدن برای محیط زیست و اثرات احتمالی مثبت یا منفی رشد اقتصادی ناشی از اقتصاد جهانی شده، بر آن است. همچنین راهکارهای لازم برای کاهش اثرات منفی فرآیند جهانی شدن بر محیط زیست مانند توجه ویژه به توسعه پایدار، حمایت از فن آوری های دوست دار محیط زیست، اصلاح الگوی مصرف انرژی و تشویق به استفاده از انرژی های تجدید شونده و پاک، وضع مالیات کربن و برچسبهای زیست محیطی پیشنهاد شده است.

واژه های کلیدی: فرآیند جهانی شدن، رشد اقتصادی، آلودگی، محیط زیست

1. دانشجوی دکترای اقتصاد، دانشگاه امام صادق (ع)

2. کارشناس ارشد زیست شناسی و پژوهشگر مرکز ملی جهانی شدن

مقدمه و کلیات

امروزه جهانی شدن به عنوان یکی از مهم ترین مسایل پیش روی بشر درآمده و اگرچه از سالیان پیش، روند رو به رشد خود را در زندگی انسان آغاز کرده، به دنبال صنعتی شدن جهان و پس از آن گسترش ارتباطات و فن آوری های همراه آن، سرعتی چشمگیر پیدا کرده است. در واقع از زمانی که سرمایه داری به عنوان یک شکل قابل دوام جامعه انسانی، پا به عرصه جهان گذارده، یعنی از چهار یا پنج سده پیش تاکنون، جهانی شدن هم جریان داشته است (زرافشان، 1383).

برای جهانی شدن تعاریف مختلفی آورده شده است که به برخی از آنها اشاره می شود. لارسن، جهانی شدن را نوعی کوچک شدن دنیا و کوتاه شدن فاصله ها می داند. پدیده ای که مناسب گسترش رفاه است؛ زیرا باعث می شود یک نفر در این سوی دنیا با دیگری در آن سوی دنیا تعامل منفعتی دو سویه داشته باشد (Larsson, ۲۰۰۱).

بنا به تعریف گیدنز، جهانی شدن، بسط و تقویت روابط جهانی است؛ به نحوی که باعث خواهد شد حوادث داخلی یک منطقه بر وضعیت سایر مناطق اثر داشته باشد و بالعکس (Giddens, ۱۹۹۰).

صائمیان در تحقیق خود به سه تعریف دیگر اشاره می کند: واترز جهانی شدن را فرآیندی اجتماعی می داند که در آن قید و بند های جغرافیایی که بر روابط اجتماعی و فرهنگی سایه افکنده، از بین می رود و مردم به طور فزاینده، از کاهش این قید و بند ها آگاه می شوند؛ هاروی، جهانی شدن را همان تراکم زمان و مکان می داند، بدین ترتیب که هر اتفاق در هر گوشه دنیا به سرعت به اطلاع همگان می رسد و عملاً زمان و مکان، معنای خود را از دست داده است. هندرسون، جهانی شدن را به عنوان یکپارچه سازی بازارها می داند و شرایطی از جمله جابجایی آزاد کالاها، خدمات، نیروی کار،

سرمایه و ایجاد بازار واحد را برای آن تعریف می کند. به لحاظ اقتصادی، کسی خارجی نیست و در بازار همه مساوی هستند (صائمیان و ارغنده، 1386).

جهانی شدن، درهم فشردن جهان و تشدید آگاهی نسبت به جهان به عنوان یک واحد است (رابرتسون، 1382). جهانی شدن را می توان به مفاهیمی چون بین المللی شدن¹، آزاد سازی - به مفهوم برداشتن محدودیت های اعمال شده از سوی دولتها برای فعالیت بین کشورها با هدف به وجود آوردن اقتصاد جهانی آزاد و بدون مرز، جهان گستری² - به مفهوم انتشار تجربیات و هدف های گوناگون برای مردم چهار گوشه دنیا، نوگرایی از نوع غربی به بیانی غربی کردن به ویژه به شکل آمریکایی آن (Americanization) و نیز قلمروزدایی³ تعبیر کرد (Scholte, 2000). در واقع جهانی شدن پدیده ای چند وجهی است، به گونه ای که به ساخت های گوناگون کنش اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، نظامی، فن آوری و محیط زیست راه پیدا کرده است (نیاکویی، 1385).

مراحل تاریخی جهانی شدن، حرکت از بزرگ به کوچک بوده است. در اولین مرحله جهانی شدن، کشورها برای شکوفایی یا حداقل بقای خود باید جهانی فکر می کردند. در مرحله دوم جهانی شدن، این شرکت ها بودند که برای شکوفایی یا حداقل بقا می بایست جهانی فکر می کردند. در جهانی شدن مرحله سه، افراد برای شکوفا شدن یا حداقل برای ماندن، باید جهانی فکر کنند. به بیانی جهانی شدن از مرحله جهانی سازی صنعت، به جهانی سازی فرد رسیده است (فریدمن، 1386).

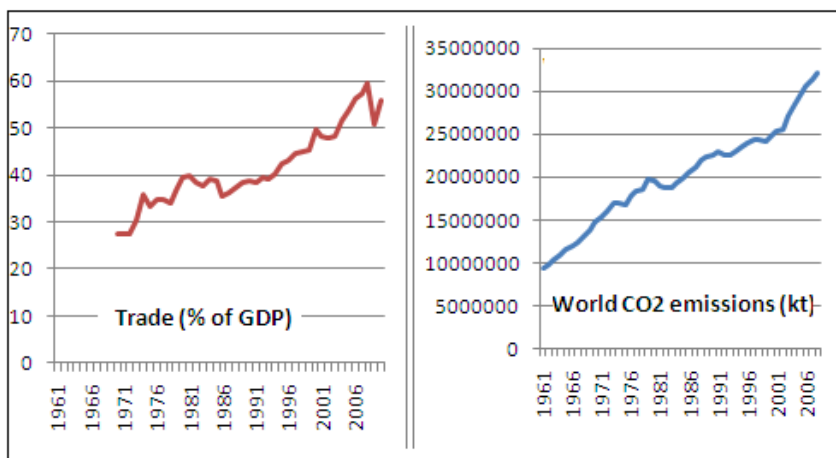
¹ internationalization

² universalization

³ deterritorialization

یکی از حوزه های مهم تأثیر پذیر در فرآیند جهانی شدن، حوزه محیط زیست است. محیط زیست به مجموعه عناصر زنده و غیر زنده در برگرفته یک موجود یا گروهی از موجودات اطلاق می شود و محیط زیست در واقع همه شرایط، اجزا و عواملی که در رشد و نمو یک موجود تأثیر می گذارند - اعم از عوامل زنده یا غیر زنده مانند نور، دما، آب و هوا را در بر می گیرد.

فرآیند جهانی شدن با هدف افزایش تجارت بین المللی و با ابزار کاهش تعرفه های تجاری شروع شد. مطالعات جهانی نشان می دهد که تجارت جهانی در این دوره، افزایش قابل توجهی داشته است این در حالی است که به دنبال این رشد، میزان انتشار گاز دی اکسید کربن که در بین گازهای گلخانه ای نقش مهمی در گرم شدن زمین و تغییرات اقلیمی ناشی از آن داشته نیز به میزان قابل توجهی افزایش یافته است (نمودار 1).



نمودار 1، رشد تجارت (چپ) و انتشار گاز دی اکسید کربن (راست) در 50 سال گذشته (WB, 2011)

از نگاه اقتصادی، این فرآیند می تواند از چند طریق به محیط زیست ضرر وارد نماید:

1. حذف تعرفه ها امکان تجارت کالا با هزینه کمتر را فراهم نموده و تقاضا برای کالای تولیدی کشوری که در تولید آن کالا، مزیت نسبی بیشتری دارد افزایش می یابد. در این حالت، کشور تولیدکننده، با افزایش تولید خود سعی در صادرات حداکثری محصول فوق در بازار رقابتی خواهد کرد. تولید بالا، فشار مضاعفی بر مواد اولیه کشور وارد کرده و در مواردی برداشت ناصحیح از جنگل، دریا، زمین های کشاورزی، رودخانه ها و منابع معدنی، اثرات غیرقابل جبرانی بر محیط زیست خواهد گذاشت.
2. سود اغواکننده ناشی از تولید بیشتر و تجارت آزاد در فضای جهانی شده، تولیدکنندگان را به تولید بیشتر با به کار گیری هر نوع تکنولوژی تشویق می کند. رویکرد کاملاً اقتصادی و لاغیر، منجر به استفاده از روشها و تکنولوژی های ساطع کننده گازهای گلخانه ای و آلوده کننده هوا، تخلیه پسابهای صنعتی در رودخانه ها، عدم توجه به اثرات سوء سلامت انسانی در تولید کالا، آلودگی صوتی و مواردی از این دست خواهد شد.

اگر نگوئیم اجماع جهانی، دست کم اجماع نسبی وجود دارد که جهانی شدن بر اقتصاد تأثیر مستقیم مثبت دارد. نگرانی ها وقتی بروز می کند که بحث "اثرات غیراقتصادی" مطرح می شود (Frankel, 2003). محیط زیست یکی از آنهاست.

همه ساکنان زمین در بهره مندی از سیاره آبی، سهم یکسان دارند و در آن شریکند. در واقع زمین و هرآنچه در آن وجود دارد به نوعی جزو دارایی های بشر به حساب می آیند. با این وجود برخی معتقدند تا وقتی هریک از ما شخصاً با هزینه هایی که نوع عملکردمان به بار می آورد مواجه نشود، همچنان به آلوده ساختن منابع

مشترک آب و هوا و مصرف بی‌حد و حصر منابع طبیعی ادامه می‌دهد (Frankel, 2003).

سؤال اینجاست که آیا جهانی شدن در رسیدن به نوعی تعادل بین اهداف اقتصادی و زیست محیطی مؤثر است؟ آیا به این روند آسیب می‌زند یا آن را بهبود می‌بخشد؟ آیا تجارت بین‌المللی و سرمایه‌گذاری این امکان را به کشورها می‌دهد تا بتوانند در عین حفظ وضعیت زیست محیطی در سطح مناسب مدنظرشان به رشد اقتصادی بالاتری دست یابند و یا اینکه برای دست‌یابی به سطحی از رشد اقتصادی ناگزیر به تخریب محیط زیست خواهند بود (Frankel, 2003).

در تحقیق حاضر ابتدا به بیان مسأله پرداخته شده است. در ادامه، منحنی زیست محیطی کوزنتس⁴ و بحث در مورد آن ارائه شده است. سپس به اثرات جهانی شدن بر محیط زیست و در پایان به برخی از راهکارهای مناسب در اتخاذ سیاست‌های مناسب در مورد محیط‌زیست و جهانی شدن اشاره شده است.

بیان مسأله

چنانچه سابقه نیروهای مخالف با جهانی شدن را مرور کنیم، فعالان محیط‌زیست⁵ به بیانی طرفداران آن همواره نقشی پررنگ داشته‌اند (فریدمن، 1386). طرفداران محیط زیست مدت‌ها تصور می‌کرده‌اند که جهانی شدن اقتصاد، تهدیدی برای محیط زیست است. درمقابل اقتصاددانان از آن دفاع کرده‌اند. این اختلاف نظر عمدتاً از نوع نگاه و

⁴ environmental Kuznets curve

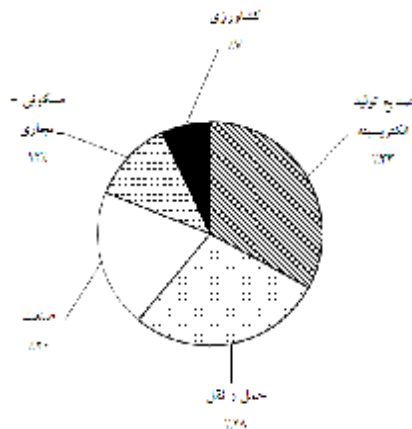
⁵ environmentalist

شیوه های کاملاً متفاوت زندگی اقتصاددانان و فعالان محیط زیست ناشی می شود. به زبان دیگر، اقتصاددانان عمدتاً اعتقاد دارند طبیعت در خدمت نوع بشر است؛ حال آنکه اگر نه همه طرفداران محیط زیست، دست کم بخش قابل ملاحظه‌ای از آنان این دیدگاه را رد کرده و بر استقلال طبیعت تأکید دارند (بهاگواتی، 1384).

در این بین برخی منتقدان جهانی شدن اقتصاد بر این باورند سازمان تجارت جهانی به نام تجارت آزاد، مانع از اقدامات محافظتی کشورها شده و از این طریق همزمان به محیط زیست جهانی و نیز حق حاکمیت کشورها ضربه می‌زند (Frankel, 2003). امروزه بشر در بهترین شرایط هم در هجومی جهانی برای دست‌یابی به منابع طبیعی، سریع‌تر از هر زمانی در تاریخ، سیاره کوچک خود را با زباله بیشتر، گرمای بیشتر و دود بیشتر به نابودی می‌کشاند. در اینجا موضوع مهم نه تنها تعداد ساکنان کره زمین، بلکه تأثیر شیوه خاص زندگی آنان بر محیط زیست است (فریدمن، 1386). واضح است اگر همچنان جمعیت انسان، تنها چند میلیون نفر بود که کوچ می‌کردند و کارشان جز شکار و ماهی‌گیری نبود و هنوز از کشاورزی چیزی نمی‌دانستند، میزان آلودگی‌های با منشاء انسانی، حداقل یا با کمی اغماض، هیچ بود (Frankel, 2003). حال آنکه اینطور نیست. امروزه بشر با مشکلات زیادی در حوزه محیط زیست مواجه است. در برخی موارد - مثلاً گرم شدن کره زمین - این احتمال وجود دارد زمانی فرا برسد که برای هرگونه اقدام جبران‌کننده، بسیار دیر شده باشد (ویگلر، 1380).

جوامع انسانی در آغاز هزاره سوم میلادی، در برابر چالش‌های بدیع و بی‌بدیل دیگری غیر از جهانی شدن قرار گرفته‌اند؛ برای نمونه هیچکس نمی‌تواند با قاطعیت اثر گلخانه‌ای را انکار کند. شاید اغراق نباشد اگر بگوییم بزرگ‌ترین چالش بشر در قرن حاضر - دست‌کم در حوزه محیط زیست - گرمایش جهانی است. روند گرم شدن زمین

همچنان ادامه خواهد یافت و دگرگونی عظیمی در آب و هوای جهان، شاهد خواهیم بود (تاجیک، 1385). سطح مصرف انرژی در جهان افزایش یافته و چنانچه تلاشی برای کاهش وابستگی به سوخت های فسیلی به عمل نیاید و بر کارایی انرژی افزوده نشود انتشار گازهای گلخانه‌ای از این که هست هم بیشتر خواهد شد که نتیجه‌ای جز گرم شدن جهان و پیامدهای ویرانگری که به دنبال آن اتفاق خواهد افتاد نخواهد داشت (لوگرن، 1382). در این بین هر بخش از فعالیت‌های انسان سهم متفاوتی در انتشار گازهای گلخانه‌ای را به خود اختصاص می دهد. نمودار 2، میزان گازهای گلخانه‌ای انتشار یافته توسط هریک از پنج بخش اصلی اقتصاد ایالات متحده طی سال‌های 1990 تا 2009 میلادی را نشان می دهد.



نمودار 2، میزان گازهای گلخانه‌ای انتشار یافته توسط هریک از پنج بخش اصلی اقتصاد ایالات متحده طی سال‌های 1990 تا 2009 (EPA, 2011)

افزایش میزان باران های اسیدی ناشی از دی اکسید سولفور و اکسید نیتروژن از دیگر مشکلاتی است که سلامت محیط زیست جهانی را تهدید می کند؛ چنانچه پیش بینی می شود تا سال 2020 میزان انتشار گازهایی که منشاء این باران ها هستند در قاره آسیا دو برابر خواهد شد (لوگرن، 1382).

افزایش میزان نیتروژن ناشی از کودها و فاضلاب ها که می تواند چرخه نیتروژن را برهم زده و زمین های حاصلخیز، دریاچه ها، رودخانه ها و آب های ساحلی را تحت تأثیر قرار دهد از دیگر چالش های زیست محیطی فراروی بشر امروز است (لوگرن، 1382).

بین سال های 1960 تا 1990 میلادی، تقریباً یک پنجم جنگل های استوایی جهان تخریب شده اند؛ اگرچه در کشورهای ثروتمند، سطح پوشش جنگلی ثابت مانده یا در حال افزایش است، در کشورهای توسعه نیافته، همچنان روند تخریب جنگل ها با هدف ایجاد زمین های کشاورزی ادامه دارد. توجه به این نکته حایز اهمیت است که قطع درختان و از بین رفتن جنگل ها درکنار آلودگی ها می تواند تنوع زیستی را در بسیاری مناطق تهدید کند (لوگرن، 1382).

روند رو به رشد تخریب صخره های مرجانی و تهدید گونه های آبی دریایی به دنبال رواج شیوه های صید گسترده، دریاها را تهدید می کند (لوگرن، 1382).

از دیگر بحران های پیش روی بشر، بحران آب است. استفاده از منابع آب شیرین در جهان به شدت رو به افزایش است. تا جایی که برخی پیش بینی می کنند رقابت برای دسترسی به منابع آبی حتی منشاء جنگ هایی در قرن بیست و یکم شود. هم اکنون به طور متوسط در جهان از هر سه نفر یک نفر با کمبود آب زندگی می کند که این رقم ظرف بیست سال آینده به رقم دو نفر از هر سه نفر تغییر می یابد (لوگرن، 1382).

در اینجا این بحث مطرح می شود که تا چه اندازه جهانی شدن در تنزل وضعیت محیط زیست نقش دارد. اینکه چه میزان از مشکلات محیط زیست، داخلی و محلی هستند و چه سطحی از این مشکلات، ناشی از جهانی شدن است (لوگرن، 1382).

تخریب محیط زیست صرفاً پدیده‌ای محلی، درون مرزی یا حتی منطقه‌ای نیست، بلکه در مقیاسی جهانی رخ می‌دهد (ویگلر، 1380). برخی مشکلات زیست محیطی به ویژه در حوزه آلاینده‌ها و پیامدهای آنها همچون افزایش دمای زمین، تخریب لایه ازن و بارانهای اسیدی، برای برخی کشورها تأثیر خارجی محسوب می شوند (بهاگواتی، 1384)؛ اگرچه این تأثیرات ناشی از اقدامات یک کشور در حیطه حاکمیت خود است و یا اینکه در مشترکات جهانی جایی که در حیطه حاکمیت هیچ کشوری نیست رخ می‌دهد، در مقیاسی وسیع، چندین کشور و در مواردی کل جهان را درگیر می کند. بدیهی است که در جریان آلودگی‌های فرامرزی، آثار زیان بار این آلودگی‌ها و هزینه‌های کنترل آن مربوط به شهروندان یک ناحیه خاص یا بر عهده دولت معین نمی باشد (بی نام، 1386).

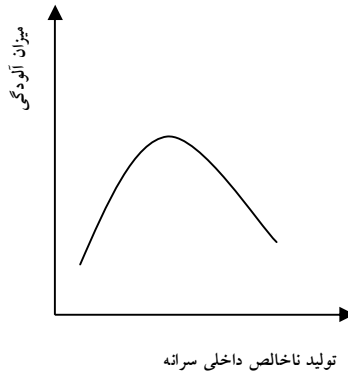
همچنین قوانین بین‌المللی، بروز یک سری مناقشات را در سطح بین‌المللی نمایان ساخته است. یکی از بزرگ ترین مناقشات مربوط به مدیریت منابع مشترک جهانی همچون اقیانوس‌ها، اتمسفر، لایه ازن، آب و هوا و مواردی از این دست می باشد. مناقشات مذکور در مسایلی همچون مدیریت صید آبزیان در آب‌های آزاد، مهاجرت و جابجایی جمعیت، کنترل آفات و بهره برداری از سایر منابع طبیعی نمود پیدا می‌کنند (بی نام، 1386).

مصرف بالای ناشی از افزایش درآمد، خود تهدید بالقوه‌ای برای محیط زیست است. تشدید رقابت نیز به "مسابقه‌ای که تا مرز نابودی" ادامه می‌یابد منجر شده و "پناهگاه امنی" برای آلودگی‌ها به وجود می‌آورد. حتی ممکن است حکومت‌ها برای دست‌یابی به مزیت‌های نسبی، استاندارد‌های زیست محیطی خود را کاهش دهند. لذا در فضایی که به دنبال جهانی شدن ایجاد شده، جایی که صنعتی شدن، بسیار سریع اما درآمدها همچنان پایین است احتمال تخریب محیط زیست وجود دارد (کالیر و دالر، 1383).

رشد فزاینده استفاده از منابع توسط انسان موجب خواهد شد گونه‌ها و اکوسیستم‌ها نتوانند خود را با شتاب متناسب با این شرایط سازگار کنند؛ در نتیجه بخش عمده‌ای از تنوع‌زیستی زمین از دست خواهد رفت. نتیجه آن تبدیل زیست بوم‌های طبیعی به زمین‌های کشاورزی و شهری و نهایتاً گرم‌تر شدن زمین خواهد بود. حتی بسیاری از گونه‌هایی که هم‌اکنون در معرض تهدید قرار دارند منقرض خواهند شد (فریدمن، 1386).

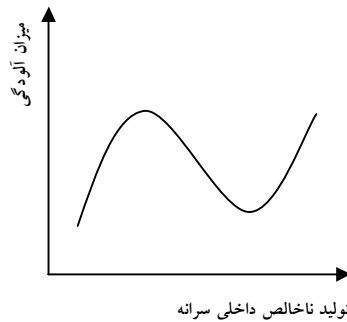
بدون شک رشد اقتصادی ناشی از اقتصاد آزاد و جهانی بر محیط زیست اثر می‌گذارد. بین موافقین و مخالفین، دو دیدگاه اصلی حاکم است. گروهی بر این باورند که بر اساس منحنی "سبز" یا "زیست محیطی" کوزنتس، هرچه سرازیر شدن سرمایه و افزایش رشد اقتصادی در کشورهای جنوب بیشتر شود نهایتاً نتیجه آن به نفع محیط زیست خواهد بود. این نمودار نشان دهنده رابطه‌ای بین توسعه اقتصادی و شدت آلودگی زیست محیطی است؛ به این معنی که اگرچه در کشورهای فقیر، آلودگی‌های زیست محیطی به نسبت سطح پایین تری دارند، هرچه رشد اقتصادی بیشتر شود میزان آلودگی تا رسیدن به یک میزان ماگزیمم افزایش می‌یابد (نمودار 3). در مقابل در کشورهای صنعتی، هزینه‌های تحمیلی به محیط زیست کاهش می‌یابد (کالیر و دالر، 1383؛ بهاگواتی، 1988؛ Leonard, 2003؛ Frankel, 2003؛ Mol, 2003). به

بیانی اگرچه در ابتدا وضعیت محیط زیست وخیم تر می شود، به مرور و به دنبال رشد اقتصادی و بهبود کیفیت زندگی مردم، کیفیت محیط زیست هم بهبود یافته و تقاضا برای وضعیت مطلوب زیست محیطی افزایش می یابد.



نمودار 3، منحنی زیست محیطی کوزنتس

در مقابل، گروه دیگر - که منتقدان منحنی سبز کوزنتس به حساب می آیند - بر این باورند که این نمودار U شکل نهایتاً به یک نمودار N شکل تغییر می یابد (نمودار 4). به این صورت که به دنبال افزایش رشد اقتصادی، هرگونه بهبود ایجاد شده در وضعیت محیط زیست، خنثی می شود (Leonard, 1988).



نمودار 4، منحنی N شکل

مضاف بر این برخی بر این باورند رژیم های سختگیرانه زیست محیطی در کشورهای صنعتی موجب می شود صنایعی که آلودگی فزاینده ایجاد می کنند و به ویژه صنایع کثیف، تغییر مکان داده (relocation) و از کشورهای صنعتی و ثروتمند به کشورهای اطراف و در حال توسعه منتقل شوند (LeQuesne, 1996).

این فرضیه چنین بیان می کند که صنایع تولیدی هر جا که قوانین زیست محیطی یا اجرای آنها ضعیف باشد تمرکز بیشتری می یابند. به بیانی این مناطق برای آلودگی ها به صورت یک پناهگاه امن⁶ در می آیند. از منظر دیگر، این مسأله مؤید تأثیر استانداردهای زیست محیطی بر انتخاب محل این صنایع است (Ekins and Voituriz, 2009).

بحث

آب، زمین، جنگل و تنوع زیستی همه جزو دارایی های بشر به حساب می آیند که ارزش حیاتی دارند و چنانچه اقدامات محافظتی کافی در سطوح بین المللی در مورد آنها صورت نپذیرد، خسارات فاجعه باری به دنبال خواهد داشت. بخش مهمی از این مصیبت ها متوجه کشورهای منطقه حاره خواهد بود. تغییرات آب و هوایی و تخریب محیط زیست در کنار خسارات وارده به تولید محصولات کشاورزی به دنبال گرمایش جهانی و نهایتاً گسترش بیماری های خاص مناطق حاره، از پیامدهای این بی توجهی خواهد بود (Goldin and Reinert, 2006).

⁶ pollution haven

واضح است که هم درآمد در اقتصاد اهمیت دارد و هم کیفیت مطلوب محیط زیست را نمی توان نادیده گرفت. اگرچه مدافعان هریک از این دو بر سر میزان اهمیت آنها و اینکه سهم هرکدام چقدر است با یکدیگر اختلاف دارند، اما نتیجه این اختلاف نباید به یک بن بست سیاسی بیانجامد که در آن هم محیط زیست و هم اقتصاد وضعیت بدتری پیدا کنند (Frankel, 2003).

طرفداران محیط زیست حق دارند استدلال کنند که در رشد اقتصادی باید میزان صدمه‌ای که به محیط زیست وارد می شود لحاظ گردد. اینجاست که اهمیت ارزش گذاری محیط زیست نمود پیدا می کند. نکته قابل توجه اینکه در ارزش گذاری ها بجز موارد معدودی که در آنها ارزش قابل شدن بیش از حد متعارف برای حفظ محیط زیست معقول به نظر می رسد باید از ارزش گذاری های افراطی پرهیز نمود. به بیان دیگر، وضعیت بهینه، حالتی است که در آن برخی منافع تجاری به دست می آید و برخی آسیب‌های محیطی رخ می دهد (بهاگواتی، 1384).

همانگونه که پیش تر گفته شد- بر اساس منحنی سبز کوزنتس - گروهی بر این باورند که رشد اقتصادی در ابتدا به محیط زیست در کشورهای فقیر صدمه می زند؛ اما به مرور با بهبود وضعیت اقتصادی و پولدارتر شدن مردم، خود افراد به پاک کردن آلودگی هایی که به بار آورده اند تمایل پیدا می کنند (لوگرن، 1382). به عنوان نمونه می توان به لندن اشاره نمود. نزدیک به نیم قرن پیش، بر اثر دود ناشی از سوزاندن زغال سنگ، هوای لندن بسیار سنگین بود. اما در حال حاضر که این شهر به مراتب نسبت به گذشته ثروتمندتر شده، هوای آن نسبت به گذشته تمیزتر است. با وجود ترافیک سنگین و تعداد بالای خودروهایی که روزانه در سطح این شهر تردد می کنند به خاطر استفاده اتومبیل ها از بنزین بدون سرب، هوا به مراتب برای تنفس مناسب تر است. این وضعیت

را می توان با منحنی محیط زیستی کوزنتس توجیه نمود. در واقع با فرض رابطه مثبت بین جهانی شدن و رشد اقتصادی، بر اساس برخی شاخص ها در مراحل اولیه رشد اقتصادی، ابتدا وضعیت محیط زیست رو به وخامت خواهد نهاد؛ اما در مرحله بعدی، بهبود می یابد.

داسگوپتا پارتا⁷ از دانشگاه کمبریج در تعریفی از فقر می گوید: " در مناطق عقب مانده - همچون نپال - تنها سوختی که در دسترس مردم قرار دارد چوب درختان است. استفاده از درختان برای سوخت، باعث نابودی جنگل ها شده و زمین های زراعی را فرسایش می دهد و نهایتاً باعث تخریب محیط زیست می شود که خود باعث افزایش روزافزون فقر خواهد شد. به بیانی فقر می تواند عامل عمده آلودگی محیط زیست بوده و از طرفی چنانچه محیط زیست تخریب یابد، خود باعث افزایش فقر می شود (استیگلیتس، 1385). به عبارت دیگر، این کاهش درآمد سرانه است که به بدتر شدن محیط زیست منجر می شود و نه بهبود درآمد سرانه.

با توجه به این مطالعات شاید بتوان دیدگاه افراطی مبنی بر اینکه آلودگی با افزایش درآمد بیشتر خواهد شد را رد کرد؛ درعین حال نباید چنین تصور شود که رشد اقتصادی به خودی خود و بدون اعمال سیاست های زیست محیطی، از محیط زیست مراقبت خواهد کرد (بهاگواتی، 1384).

در این بین باید به این نکته توجه داشت که دولت های مردم سالار احتمالاً بیشتر از دولتهای خودکامه، آمادگی پذیرش تقاضای سبزها و اعمال سیاست های زیست محیطی را خواهند داشت (لوگرن، 1382). احترام به توافق نامه ها و امضای پیمان ها از جانب

⁷ Dasgupta Partha

کشورهایی که نوعاً حکومت مطلقه دارند، غالباً به دشواری انجام می پذیرد. از اینرو قوانین بین‌المللی باید توجه خود را بیشتر بر روی موافقت نامه هایی متمرکز نمایند که به صورت داوطلبانه از جانب دولت ها یا مجامع بین المللی پذیرفته شده یا خواهند شد (بی نام، 1386).

همچنین توجه به این نکته حایز اهمیت است که در اعمال تصمیم ها طوری عمل نشود که اهداف تجاری یا اهداف زیست محیطی نادیده گرفته شود. گاهی موانع تجاری که هدفشان کمک به محیط زیست است بیش از اینکه سودمند باشند، زیان به بار می آورند. به عنوان نمونه تحریم تجارت چوب های آمازون با انگیزه حفاظت از جنگل ها ممکن است در نگاه اول فکر مناسبی به نظر آید؛ ولی ضرر تجاری مستقیم و خسارت زیست محیطی غیر مستقیم دارد، زیرا چنانچه قطع کنندگان درخت نتوانند چوب صادر کنند ممکن است برای امرار معاش به مزرعه داری روی آورند که خود به مراتب نتایج منفی بیشتری به دنبال خواهد داشت. در کنار آن می توان گفت اگر جنگل های برزیل می توانند با جذب دی اکسید کربن مانع از گرم شدن زمین شوند، کشورهای تولیدکننده CO₂ به این کشور در مدیریت و حفظ و احیاء جنگل هایش در کنار بهره برداری از آن کمک کنند.

کشورهای توسعه یافته به عقیده کشورهای درحال توسعه در خلال انقلاب صنعتی و بعد از آن، سهم بالایی در آلودگی های جهانی داشته اند و از آن تاریخ تاکنون از ثمرات تولیدات خود بهره برده اند. لذا بر اساس اصل پرداخت خسارت زیست محیطی⁸

⁸ polluter-pays principle

کشورهای در حال توسعه به دنبال این هستند که سهم پرداخت کشورهای توسعه یافته را برای کنترل دی اکسید کربن افزایش دهند (بی نام، 1386)

علیرغم همه این مسایل، مدافعان تجارت آزاد و جهانی شدن تجارت بر این باورند که امروزه بیشترین قوانین پیشگیرانه زیست محیطی در کشورهای توسعه یافته برقرارند. درحالیکه همین کشورها به نسبت تجارت آزادتری دارند. این گروه همچنین تأکید می کنند که بسیاری از شرکت های مطرح در عرصه جهانی علیرغم فقدان قوانین زیست محیطی مدون در کشور های میزبان، ترجیح می دهند همچنان از فن آوری های سازگار با محیط زیست استفاده کنند تا اینکه بخواهند به جای آن از حسن شهرت و حیثیت خود هزینه کنند. اگرچه برخی استثناها وجود دارد، اما نگرش غالب به سمت فن آوری های سازگار با محیط زیست است (بهاگواتی، 1384). تا جاییکه امروزه برخی کشورها رشد کمتر را برای حفاظت از محیط زیست پذیرفته اند (استیگلیتز، 1385). ضمن اینکه غالباً کشورهای نوآوری می کنند که دارای استانداردهای بالاتری هستند. بسیاری از این نوآوری ها منجر به تغییرات فنی اساسی شده اند که غالباً سازگار با محیط زیست و کارآمد هستند. بنابراین استفاده از آنها سودمند است (بهاگواتی، 1384).

اثرات مثبت و منفی جهانی شدن بر محیط زیست:

با بررسی نظرات موافقان و مخالفان جهانی شدن، می توان تأثیرات مثبت و منفی آن بر محیط زیست را چنین برشمرد:

- با گسترش جهانی شدن اقتصاد و متخصص شدن کشورها در تولید کالاهایی که در آن مزیت نسبی دارند موقعیت جغرافیایی صنایع تغییر

می‌کند. برخی کشورها صنایع کثیف تر مانند کارخانه‌های فولاد و مواد شیمیایی و برخی دیگر بخش‌های تمیزتر مانند برنامه‌ریزی کامپیوتر یا مراکز تلفن را جذب می‌کنند. بنابراین در مواردی مشکلات آلودگی به اطراف جهان منتقل می‌شود.

- فرآیند جهانی شدن می‌تواند تجارت و رشد اقتصادی را تقویت کند. در این شرایط چنانچه تمایلی نسبت به تولید پاک و بازیافت زباله‌ها ایجاد نشود، این رشد اقتصادی به زیان محیط زیست خواهد بود؛ زیرا رشد اقتصادی به رشد درآمد و در نتیجه تقاضای کل منجر شده و از این طریق، تولید تحت هر شرایط و پرداخت از منابع اولیه بدون رعایت اصل جایگزینی را تشدید می‌کند.
- جهانی شدن می‌تواند موجب یک "رقابت به سوی پایین" شود، زیرا ممکن است دولت‌ها برای جلب سرمایه‌های خارجی، استانداردهای زیست محیطی خود را نادیده گرفته و یا پایین بیاورند (لوگرن، 1382).

در کنار آثار منفی که ممکن است به دنبال روند جهانی شدن بر محیط زیست بروز نماید، برخی آثار مثبت را نیز می‌توان برشمرد:

- جهانی شدن فن‌آوریهای سبز را گسترش می‌دهد. شرکت‌های پیشرفته که کارخانه‌هایی در خارج ایجاد می‌کنند، غالباً فن‌آوری‌های سودمند برای محیط زیست را با خود به همراه می‌آورند و رقابتی محلی را مجبور می‌کنند برای بقاء بهره‌وری بالا، در عملیات تولید خود از تکنولوژی پاک استفاده کنند؛ در عین حال، صادرکننده‌ها بیش از پیش مجبور می‌شوند

معیارهای خود را بالا ببرند تا پاسخگویی تقاضاهای مشتریان سخت‌گیر خود باشند (لوگرن، 1382).

- رشد اقتصادی می‌تواند نهایتاً به یک محیط زیست پاک منجر شود. واضح است چنانچه دولت‌ها مجبور باشند به قوانین زیست محیطی سخت‌گیرانه تری پاسخ گویند هزینه نهایی اجرای آن برای مردم افزایش می‌یابد. جهانی شدن می‌تواند با کمک به افزایش رشد اقتصادی و بالابردن درآمد سرانه، این هزینه را پوشش دهد؛ زیرا وقتی مردم پولدارتر شوند، به سمت جامعه‌ای میل می‌کنند که افراد در آن جامعه، محیط زیست پاک تری را تقاضا می‌کنند؛ چرا که در این شرایط، توان مالی برای پرداخت بهای رسیدن به چنین تقاضایی را هم خواهند داشت. (لوگرن، 1382).

- جهانی شدن شرایطی را به وجود آورده که فشارها و اعتراضات زیست محیطی دیگر محدود به مرزهای کشورها نیست. به عبارت دیگر امکان همکاری و وحدت رویه و تصمیم مشترک برای فعالان محیط زیست ایجاد شده است. امروزه به‌واسطه فعالیت‌های مؤسسه‌های مردم نهاد بین‌المللی و انتشار جهانی اطلاعات، فعالیت‌های زیست محیطی در سطح جهان در حال گسترش است (Leonard, 1988).

- "قدرت مصرف‌کننده"‌ها می‌تواند به‌عنوان یکی از پیامدهای تجارت جهانی شده به‌عنوان ابزاری برای کمک به محیط زیست به کار گرفته شود. چرا که با توجه به تمایلی که به برچسب گذاری زیست محیطی کالاها در جهان ایجاد شده، مصرف‌کننده‌ها این امکان را می‌یابند تا با استفاده از ابزار تمایلشان به خرید کالاهای سازگار با محیط زیست، خواسته‌هایشان را بیان کنند. برچسب زیست محیطی در واقع نشانگر جنبه‌های زیست محیطی یک

محصول یا خدمت است (بی‌نام، 1385). درعین‌حال برای اینکه این راهکارها تأثیرگذاری بیشتری داشته باشند نیاز است قوانینی وضع و استانداردهایی اعمال شوند که در نبود آنها تولیدکنندگان نتوانند به خلاف واقع محصولشان را سازگار با محیط زیست معرفی کنند یا اینکه کشوری به‌طور ناعادلانه برچسب نادرستی بر واردات کالای رقیب بزند تا بازار آن کالا را به‌خود اختصاص دهد (Frankel, 2003).

• از دیگر تأثیرات مثبت جهانی شدن بر محیط زیست، به وجود آمدن نظامی است که به‌واسطه آن، کشورها بتوانند ذیل برخی قواعد که به واسطه مذاکرات چند جانبه وضع شده‌اند با یکدیگر تعامل داشته‌باشند و درعین‌حال عملکردشان هم توسط برخی سازمان‌های چندجانبه، دیده بانی گردد. نیاز به وجود چنین نظامی به ویژه در مشکلات و مباحث جهانی محیط زیست که بیش از یک یا چند کشور در آن درگیرند به‌خوبی احساس می‌شود (Frankel, 2003). این نهاد می‌تواند مانند نقشی که سازمان تجارت جهانی در حوزه اقتصاد به عنوان دیده بانی و سازماندهی جهانی ایفا می‌کند در حوزه محیط زیست عمل کرده و زمینه اجرای قراردادهای قبلی همچون پیمان کیوتو را فراهم آورد.

• جهانی شدن، این امکان را فراهم می‌سازد که کشورها بتوانند از تجربیات یکدیگر بر پایه مستندات آماری⁹ شان در حوزه محیط زیست استفاده کنند و نهایتاً با درک صحیح از اینکه چگونه جهانی شدن و رشد

⁹ statistical evidence

توانسته یا می‌تواند اهداف زیست محیطی را تحت تأثیر قرار دهد
تصمیمات درستی اتخاذ کنند (Frankel, 2003).

راه کارهای مناسب در سیاست‌گذاری در مواجهه جهانی شدن و محیط زیست

کشورهای ثروتمند به واسطه تقدم زمانی در رشد صنعت و اقتصاد، سهم بالایی در ایجاد مشکلات زیست محیطی داشته‌اند. همین کشورها هستند که مصرف کنندگان عمده انرژی بوده و بیشترین بهره برداری را از منابع طبیعی انجام می‌دهند و البته بخش عمده آلودگی‌ها را به وجود می‌آورند (Goldin and Reinert, 2006). در مقابل کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته به واسطه پایین تر بودن سطح بهره مندی شان از تکنولوژی و صنایع پیشرو، به نوعی دیگر در تخریب محیط زیست نقش دارند. به نحوی که اگرچه به طور میانگین ساکنان کشورهای توسعه یافته چندین برابر جهان سومی‌ها منابع را مصرف کرده و از خود، آلودگی باقی می‌گذارند ولی این واقعیت را هم باید در نظر گرفت که مردمی که امروز تأثیر کمتری دارند به تدریج در حال تبدیل شدن به عناصر تأثیرگذار هستند (فریدمن، 1386).

علیرغم اینکه برای حل مشکلات زیست محیطی و اتخاذ سیاست‌های مناسب به منظور نیل به اهداف جهانی شدن و همزمان، حداقل سازی اثرات سوء زیست محیطی اتفاق نظر کاملی وجود ندارد، ولی بر سر این موضوع که راه‌حل‌های چند جانبه برای مشکلات زیست محیطی فرامرزی¹⁰ - چه در سطح منطقه‌ای و چه در سطح جهانی - نسبت به راه‌حل‌های یک جانبه (تک بعدی) ارجحیت دارند نوعی اجماع حاکم است

¹⁰ trans boundary

(بی نام، 1386). درعین حال نباید از نظر دور داشت که هرگونه اقدام در سطح جهانی بدون سیاست‌های زیست محیطی در سطوح ملی و محلی کامل نمی شود. درواقع زمانی می توان به بهبود وضعیت امیدوار بود که قوانین جهانی محیط زیست در سطوح ملی نیز به درستی اجرا شوند و کشورها برای حل مشکلات فرامرزی مانند گرمایش جهانی با یکدیگر همکاری کنند (لوگرن، 1382).

علیرغم نظرات جانبدارانه طرفداران تندرو اقتصاد از یک سو و مدافعان محیط زیست از سوی دیگر، شاید بتوان گفت نظر غالب بین عموم، تلاش برای از دست ندادن هیچ یک از این دو و بهره‌مندی از هر دو یعنی رشد اقتصادی و بهبود وضعیت رفاهی ناشی از جهانی شدن و همچنین حق داشتن محیط زیست پاک است. هیچ‌یک از آنها بدون دیگری نمی تواند به طور کامل به بهبود سطح زندگی کمک کند. در واقع یک ترکیب بهینه از هر دو هدف لازم است تا اثرات مثبت در حد ماگزیمم جذب شده و اثرات منفی به حد مینیمم کاهش داده شود. این ترکیب بهینه می تواند در مفهوم "توسعه پایدار" به عنوان یکی از مهم ترین اهداف هزاره تحقق یابد (Frankel, 2003). توسعه پایدار به این معنی است که سیاست‌ها به گونه‌ای اتخاذ شوند که آرزوها و خواسته‌ها را در زمان حال تأمین نماید، بدون اینکه امکان دستیابی به خواسته‌ها و نیازهای آیندگان به خطر بیفتد (Kjellé, 2005).

برای کاهش اثرات سوء اقدامات بشر بر محیط زیست و درعین توجه به روند جهانی شدن، راه‌کارهای مختلفی را می توان پیشنهاد نمود.

- لغو یارانه های دولتی در کشاورزی به ویژه یارانه های سموم ضد آفات و کودهای شیمیایی و در مرحله بعدی، اعمال مالیات بر سموم ضد آفات، با هدف کاهش مصرف

آنها. به دنبال لغو یارانه‌ها و اعمال مالیات بر به‌کارگیری کودها و سموم ضدآفات نه تنها تجارت تقویت می‌شود و مردم به غذای ارزان دسترسی پیدا می‌کنند، بلکه به محیط زیست هم کمک می‌شود.

• لغو یارانه های دولتی در بخش ماهی گیری و نظارت بیشتر بر ماهی گیری در آبهای ساحلی و هم‌زمان با آن اتخاذ تصمیمات هماهنگ در بهره برداری از ذخایر دریاهای آزاد. این اقدام ضمن ایجاد امکان تداوم ماهی‌گیری، تجارت آزاد را بهبود بخشیده و از آنجا که مردم مالیات کمتری در این بخش پرداخت می‌کنند، امکان افزایش سرانه مصرف ماهی از سوی مردم هم فراهم می‌شود.

• کاهش یا حذف یارانه های بخش انرژی و اعمال مالیات بر نفت، زغال سنگ و در یک کلام و بصورت کلی کربن (مالیات کربن). در اینصورت شرکت‌ها و صنایع، دست کم مجبور می‌شوند خسارتی که بر محیط زیست وارد می‌کنند را به حساب آورند. اگر دولت‌ها یارانه های بخش انرژی را لغو کنند، تجارت، آزادتر خواهد شد و تنها تجارت سوخت‌هایی صورت خواهد گرفت که فواید اقتصادی آنها از هزینه زیست محیطی شان بیشتر باشد. در نتیجه احتمالاً آسیب کمتری بر محیط زیست وارد خواهد آمد. چنانچه در مواردی تعطیل کردن معادن زغال سنگ و پرداخت حقوق به معدنچیان برای کار نکردن، ارزان تر و برای محیط زیست به مراتب بهتر خواهد بود.

• آزادکردن تجارت خدمات زیست محیطی از دیگر راه کارهای این حوزه است. موانع سرمایه‌گذاری و تجاری مانع گسترش فن‌آوری های سودمند به حساب می‌آیند. در صورتی که آزادسازی آن می‌تواند ضمن تسهیل شرایط برای مشاوران محیط زیست و عرضه کننده های راه‌حل های سبز در سطح بین‌المللی، وضعیت محیط زیست را بهبود بخشد.

- کنترل آلودگی ها توسط خود صنایع آلوده کننده، هم زمان با توسعه فن آوری های جدید، کوچک تر و تمیزتر که هزینه های زیست محیطی صنایع را کاهش خواهند داد. بعلاوه اگر شرکت ها پیش بینی کنند قوانین زیست محیطی با گذشت زمان سخت تر خواهند شد، منطقی این است که آخرین پیشرفت های علمی را به کار گیرند تا مجبور نباشند بعدها مبلغ بیشتری را صرف آن کنند. لازم به ذکر است در ایران بر اساس قوانین و مقررات زیست محیطی، ارزیابی زیست محیطی بر ارزیابی اقتصادی مقدم می باشد. به بیانی کلیه مجریان طرح های توسعه، متعهد به انجام ارزیابی زیست محیطی قبل از اجرای پروژه اند (بی نام، 1386).

- توافق نامه های بین المللی برای حل مشکلات تجارت فرامرزی و زیست محیطی به ویژه در مواردی که عامل مخرب به بیش از یک یا چند کشور مربوط می شود و یا اینکه اثر آن متوجه کل دنیا خواهد بود از دیگر راه کارهاست. به عنوان نمونه می توان انتشار گازهای گلخانه ای که نتیجه آن گرم شدن زمین و به تبع آن تغییرات در فصول، بالا آمدن سطح آب دریاها به دلیل ذوب شدن یخ های قطبی، تغییرات آب و هوایی و حتی شیوع برخی بیماری ها مانند مالاریاست را ذکر نمود. ذیل این توافق نامه ها می توان مجازات های اقتصادی بر کشورهایی که سهم بالایی در انتشار گازهای گلخانه ای داشته اند اعمال نمود. نکته قابل ذکر اینکه ایالات متحده تاکنون از امضاء "پیمان کیوتو" خودداری نموده و اندک بهبود احتمالی در سطح انتشار گازهای گلخانه ای از سوی برخی کشورها با سوء رفتار آمریکا احتمالاً از پیش خنثی شده خواهد بود. همچنین دولت کانادا نیز با این توجیه که امکان عمل به تعهداتش را در قبال این پیمان ندارد از آن خارج شد.

- در نظر گرفتن "توسعه پایدار" در کنار سیاستگذاری های صحیح ملی و بین المللی در جهت استفاده از انرژی و منابع و کنترل جمعیت می تواند از تخریب و نابودی اکوسیستم جلوگیری کند (ویگلر، 1380).
- تلفیق تجارت آزاد با سیاست زیست محیطی مناسب، به بیانی داشتن سیاست گذاری زیست محیطی مناسب برای حفاظت از محیط زیست و سپس پی گیری تجارت آزاد به منظور به دست آوردن منافع از آن (بهاگواتی، 1384).
- ممانعت از فروش ماشین آلات دست دوم و خارج از رده ناسازگار با محیط زیست که به دنبال ابداع فن آوری های جدید و سازگار با محیط زیست کهنه می شوند از سوی کشورهای ثروتمند به کشورهای فقیر که استانداردهای زیست محیطی پایینی دارند (بهاگواتی، 1384).
- حمایت از شرکت های تولیدکننده فن آوری های سازگار با محیط زیست به نحوی که خود این شرکت ها وضع و اجرای برخی از استانداردها را بر عهده گیرند. در این صورت این گروه ها رابطه هم زیستی مطلوبی با گروه های محیط زیستی برقرار خواهند کرد. اگرچه از نظر گروه اول، کسب سود و از نگاه دسته دوم دوستی با طبیعت، انگیزه این همکاری است؛ اما نتیجه آن یعنی تحت فشار قرار دادن دنیا برای حرکت به سوی استانداردهای بالاتر در نهایت به نفع محیط زیست و بخش هایی است که از سلامت آن سود می برند (بهاگواتی، 1384).
- اعطای مجوز برای برچسب زنی زیست محیطی؛ در واقع با این کار، مصرف کنندگان آزادانه می توانند انتخاب کنند که در بین محصولات تولید شده در شرایط استاندارد زیست محیطی و سازگار با آن و محصولات فاقد این استاندارد، کدام را ترجیح می دهند (بهاگواتی، 1384).

- کشورهای پیشرفته که به دلیل بهره برداری از ثروت کافی، امکان بهره مندی از فن‌آوری های سازگار با محیط زیست را دارند و به‌واسطه تغییر نگرش عمومی و یا تحت فشار گروه‌های طرفدار محیط زیست، سخت‌گیری هایی در تجارت و وارداتشان از کشورهای فقیر یا در حال توسعه اعمال می‌کنند، با واقف بودن به این مسأله که کشورهای در حال توسعه و فقیر با کمبود منابع مواجه هستند، کمک‌های فنی در اختیار آنها قرار دهند تا نظر هر دو طرف تأمین گردد.

- پایه گذاری شبکه اطلاع رسانی زیست محیطی برای تشویق جامعه اقتصادی به سوی یک سیستم اطلاع رسانی زیست محیطی و همچنین ملزم ساختن مجریان طرح‌های توسعه به نشر و پخش آثار زیست محیطی پروژه هایشان برای عموم.

- کاهش مصرف انرژی به عنوان یک اولویت ملی و تغییر الگوهای مصرف (فریدمن، 1386). استفاده و تشویق سایرین به استفاده از انرژی های تجدید شونده و پاک مانند باد، خورشید و زیست توده‌ها¹¹ در کنار سوخت‌های فسیلی است. اعمال مالیات بر بنزین و استفاده از مشوق‌های بلند مدت برای تولید انرژی های تجدید شونده در رسیدن به این هدف می‌تواند مؤثر واقع شود.

- همکاری با بنگاه‌های بزرگ و تشویق آنها برای کاستن از تأثیرات کارشان بر محیط زیست از طریق اتخاذ ساز و کارهای سازگار با محیط زیست درعین حفظ سود آوری برای بنگاه‌ها و از آن مهم تر عملی‌بودن این ساز و کارها. نتیجه آن محافظت از منابع آب، انرژی و در یک کلام مدیریت شایسته‌تر بهره برداری از این منابع است. این همکاری ها هیچ گونه منافاتی با مقررات و نظارت دولت‌ها ندارد و حتی می‌تواند پشتوانه اجرایی برای قوانین دولتی به حساب آید؛ زیرا مقررات سختی که غالباً بر بهره

¹¹ biomass

برداران تحمیل می‌شود غالباً به درستی اجرا نشده و در مواردی اصلاً اجرا نمی‌شوند. این همکاری‌ها همچنین کمک می‌کند دیوار حایل بین گروه‌های ذی‌نفع برداشته شود؛ به بیانی شکاف بین دو سوی این دیوار یعنی طرفداران محیط زیست از یک سو و بهره‌برداران از سوی دیگر را از بین می‌برد.

• نقش مناسب برای گروه‌های زیست محیطی بین‌المللی، کمک به گروه‌های محلی است که به نوبه خود از طریق مجاری سیاسی داخلی و نیز از راه‌های قانونی و مشروع، اقدام و تلاش کنند تا توازن نیروهای سیاسی را به سوی ارزش قایل شدن بیشتر برای محیط زیست دگرگون کنند (بهاگواتی، 1384).

در پایان ذکر این نکته حایز اهمیت است که سختگیری‌های شدید در مورد بخش‌هایی از تجارت که تأثیرات جهانی بیشتری دارند یا بخش‌های مختلف جهان در آن دخیل هستند کارایی بیشتری دارد و در موارد دیگر و محلی، تدابیر متعادل‌تر، تأثیرپذیری بیشتری دارند.

جمع بندی

جهانی شدن به خودی خود پدیده پیچیده‌ای است که نیروها و اثرات زیادی دارد. طبیعتاً هیچگاه همه این آثار یا نیروها به نفع محیط زیست نخواهد بود. چنانچه به همان نسبت دور از منطبق است که همه آنها را به ضرر محیط زیست بدانیم (Frankel, 2003).

تخریب محیط زیست امروزه یک موضوع جهانی است که از هر سه منظر اکولوژیکی، سیاسی و اقتصادی شایان توجه است. در این بین معضلات جهانی محیط زیست نیازمند راه‌حل‌های جهانی هستند (Elliott, 1998).

بررسی‌های تجربی در مورد مواد آلوده کننده گوناگون به یک منحنی زنگوله‌ای شکل رسیده‌اند (بهاگواتی، 1384). به این صورت که سطح آلودگی‌ها در آغاز با افزایش درآمد، بیشتر می‌شود و سپس اُفت می‌کند. در واقع توسعه، در ابتدا محیط زیست را تخریب می‌کند؛ اما سرانجام بهبود می‌بخشد. بنابراین شاید بتوان گفت توسعه، هم محیط زیست را تهدید می‌کند و هم می‌تواند در اصلاح وضعیت آن مؤثر باشد. به این صورت که همزمان با افزایش درآمد، نگرانی برای محیط زیست افزایش می‌یابد و این نگرانی واکنشی را ترغیب می‌کند که موجب بهبود محیط زیست می‌شود (کالیر و دالر، 1383). تخریب‌های زیست محیطی همراه با رشد فزاینده تجارت منجر به افزایش آگاهی عمومی و عکس‌العمل در مقابل آثار سوء فعالیت‌های اقتصادی مخرب محیط زیست و افزایش خواسته‌های زیست محیطی شده است (Frankel, 2003)؛ بی‌نام، 1386). ضمن اینکه در اتخاذ سیاست‌های تجاری و اصلاحات سازمان تجارت جهانی باید توازن منافع مابین کشورها در نظر گرفته شده و به مسایلی غیر از تجارت همچون محیط زیست نیز پرداخته شود (استیگلیتز، 1385).

نباید فراموش کنیم که ما میهمان این سیاره هستیم و آزمون نسل ما این است که آن را همانگونه یا بهتر به نسل بعدی تحویل دهیم (فریدمن، 1386). بدون مبذول داشتن توجه خاص به محیط زیست عملاً عدالت در بهره‌مندی نسل‌های مختلف از طبیعت مغفول می‌ماند. پس شاید بتوان گفت طرفداران واقعی دموکراسی در جهان، دوستدار محیط زیست هستند و سبز زندگی می‌کنند.

منابع

- استیگلیتز، جوزف، (1385) جهانی شدن و پیامدهای ناگوار آن، ترجمه محمدرضا باوفا، تهران: امیرکبیر.
- بی نام، (1386) تعامل تجارت و محیط زیست در جهان با توجه به نگرش سازمان جهانی تجارت "WTO" مطالعه موردی ایران، معاونت پژوهش و آموزش گروه پژوهش‌های بازرگانی خارجی و اقتصاد بین‌الملل؛ مسئول طرح لطفعلی عاقلی کهنه شهری؛ مجری طرح محمدمهدی برقی اسکویی، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- بی نام، (1385) مدیریت زیست محیطی - واژه‌نامه، استاندارد ایران - ایزو 14050 چاپ اول، تهران: مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران.
- بهاگواتی، جاگدیش ناتوارلعل. (1384) دفاع از جهانی شدن، ترجمه مسعود کرباسیان، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- تاجیک، محمدرضا (1385) صدای پای آینده دهه چهارم و آینده‌های جامعه ایرانی، تهران: فرهنگ گفتمان.
- رابرتسون، رولاند. (1382) جهانی شدن، تئوری‌های اجتماعی و فرهنگ جهانی، ترجمه کمال پولادی، تهران: نشر ثالث.
- زرافشان، ناصر. (1383) جهانی شدن با کدام هدف، انتشارات آگاه.
- صائمیان، آذر؛ ارغنده، رضا. (1386) بررسی جهانی شدن اقتصاد ایران با نگرشی بر روش SWOT، ششمین همایش مراکز تحقیق و توسعه صنایع و معادن.
- فریدمن، توماس ال. (1386) جهان مسطح است: تاریخ فشرده قرن بیست و یکم، ترجمه احمد عزیزی، تهران: هرمس.
- کالیر، پل. و دالر، دیوید. (1383) جهانی شدن، رشد و فقر ترجمه غلامحسین فیروزفر، تهران: موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
- لوگرن، فیلیپ. (1382) جهان باز: واقعیت جهانی شدن، ترجمه فریدون دولتشاهی، تهران: اطلاعات.
- نیاکویی، امیر. (1385) جهانی شدن و توسعه با نگاهی به ایران (گذری بر جهانی شدن و اقتصاد سیاسی ایران)، تهران: کتاب دانشجو.

• ویگلر، جان. (1380) جهانی شدن، چالش‌ها و ناامنی‌ها، ترجمه اصغر افتخاری، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- Ekins, Paul, and Voituriez, Tancrede. (۲۰۰۹) *'Trade, globalization and sustainability impact assessment: a critical look at methods and outcomes'*, Earthscan.
- Elliott, Lorraine M. (1998) *'The global politics of the environment'*, Palgrave.
- EPA (2011) *'INVENTORY OF U.S. GREENHOUSE GAS EMISSIONS AND SINKS: 1990-2009'*, 2011 U.S. Greenhouse Gas Inventory Report. Available online at <<http://www.epa.gov/climatechange/emissions/downloads11/US-GHG-Inventory-2011-Executive-Summary.pdf>>. December 17, 2011.
- Frankel, Jeffrey A. (2003) *'The environment and Globalization'*, NBER Working Paper No. 10090.
- Giddens, A. (1990) *'Consequences of Modernity, Cambridge'*, Stanford University Press.
- Goldin, Ian and Reinert, Kenneth A. (2006) *'Globalization for development: trade, finance, aid, migration, and policy'*, World Bank Publications.
- Larsson, T. (2001) *'The Race to the Top: The Real Story of Globalization'*, Cato Institute.
- Leonard, H. Jeffrey. (1988) *'Pollution and the struggle for the world product: multinational corporations, environment, and international comparative advantage'*, Cambridge University Press.
- LeQuesne, C. (1996) *'Reforming World Trade: The Social and Environmental Priorities'*, Oxfam.
- Kjellé, Bo. (2005) *'Diplomacy and Governance for sustainability in a partially globalized world'*, In: Paavola, Jouni and Lowe, Ian. *'Environmental Values in a Globalizing World, Nature, Justice and Governance'*, Routledge.

- Mol, Arthur, P. J. (2003) *'Globalization and Environmental Reform: The Ecological Modernization of the Global Economy'*, MIT Press.
- Scholte, Jan Aart. (2000) *'Globalization, a critical introduction'*, Palgrave Macmillan.
- WB (2011) *'World Development Indicators (WDI from 1960 to 2010'*. Available online at <http://data.worldbank.org/indicator>>. December 17, 2011.

Globalization, Opportunity or Threat for the Environment

Mohammad Reza Tavakkol Nia¹ – Mohammad Ali Akbarian²

Abstract

Globalization is an increasing and unstoppable process which started with the approach of unification of the world's economy; but has also affected different fields other than trade and economy and one of the main important affected parts is the environment. Some believe that economic activities may put the environment in serious dangers. In the other hand, some believe that moving toward a healthier (more uncontaminated) and less polluted environment requires economic growth. This paper considers some opportunities and threats of globalization for the environment and probable positive and negative effects of economic growth on it coming with globalized economy. It also proposes some solutions decreasing negative effects of globalization on environment such as concerning sustainable development, using environmentally friendly technologies, modifying energy consumption and using renewable energy sources, carbon tax and environmental labeling.

Keywords:

globalization, economic growth, pollution, environment

-
1. PhD. Student of Economy, Imam Sadegh University
 2. M.Sc. in Biology and Researcher in Iranian National Center for Globalization